

اردوغان باید محتاط باشد



بدون شک تصویر نمودن جمعی از درجه‌داران ولو خائن ارتش با زیرشلواری و تی‌شرت و با سروشکلی مضروب، وارد آوردن خدشه‌ای جدی به اعتبار ارتشی محسوب می‌شود که جدای از کارنامه و کارکرد سیاسی مسأله‌دار آن، همواره یکی از ستون‌های قدرت ملی کشور ترکیه بوده است.

آران نیوز: همان صبح 16 ژوئیه و شکست کودتای نافرجام ترکیه، تصاویر مخابره شده از کودتاچیان دستگیرشده توجهات زیادی را به خود جلب کرد. تصاویر سربازانی برهنه و یا با سر و صورت‌های خونین در زیر مشت و لگد مردم خشمگین معترض به کودتا، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را تسخیر کرد. در این میان تصویری وجود داشت که حاکی از تلاش نیروهای امنیتی یا پلیس ترکیه برای نجات کودتاچیان از دست مردم خشمگین بود. که عبارت از بازتاب یک رخداد طبیعی؛ خشم مردم، مورد هجوم قرار گرفتن کودتاچیان ناکام و تلاش نیروهای انتظامی و امنیتی برای دستگیری و در عین حال حفظ جان متهمان کودتا و اعاده‌ی نظم بود. اما تصویری که روزهای بعد از کودتا از نحوه برخورد با کودتاچیان منتشر شد، جدای از هدف احتمالا اصلی این نوع تصویرپرانی یعنی از ممانعت از کودتای مجدد از طریق ایجاد رعب و در هم شکستن هیمنه‌ی ارتش به مثابه کانون کودتا، حاکی از پیاده‌سازی سیاستی بود که احتمالا در عین اثربخشی کوتاه‌مدت و میان‌مدت، پیامدهای بلندمدت مخاطره‌آمیزی را بر جای خواهد گذاشت.

در میانه‌ی هفته گذشته در نشست علمی دکتر داریوش رحمانیان (عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران) در خلال سخنرانی خویش ضمن اشاره به این خلدون به مفهومی ملهم از نظریه وی که امروزه می‌تواند در تحلیل بسیاری از فرآیندهای سیاسی و اجتماعی کاربست مناسبی داشته باشد در قالب «عصبیت صنفی» اشاره نمود. مفهومی که یکی از عینیت‌های آن‌را می‌توان در رقابت‌های صنفی بر سر قدرت در سطوح عالی در کشورهای گوناگون مشاهده کرد. مفهومی که می‌تواند در قالب ظرفیتی بالفعل به فعالیت تشکیلاتی نظام‌مند منتهی شود و یا به شکل ظرفیتی بالقوه در بزنگاه‌ها شگفتی‌ساز شود. از همین منظر این پرسش مطرح می‌شود که آیا تشنت درونی ارتش ترکیه و مخالفت و عدم همراهی بخش قابل توجهی از نیروهای آن و بلاخص بسیاری از فرماندهان عالی نظامی با کودتا تضمین مناسبی برای اردوغان است که این نیروها، تحقیرهایی که در روزهای اخیر نسبت به هم‌قطاران خطاکار و هم‌لباس‌های مظنون‌شان روا داشته شده و به شکلی هدفمند رسانه‌ای شده است را نادیده بینگارند؟ باید توجه داشت که محاکمه متهمان و صدور احکام سنگین در فرآیندی قضایی ولو در دادگاه‌هایی ویژه و اضطراری از حقوق و اختیارات حاکمیت‌ها، به ویژه در مواجهه با مخلان نظم و امنیت عمومی و مقوله‌ای متفاوت از اعمال تحقیر و علنی ساختن آن است. لذا مقوله برخورد با کودتاچیان و محاکمه‌ی متهمان کودتا را باید مجزا از تحقیر آنان انگاشت. از همین منظر اگر انتشار تصاویر سربازان پرشمار بازداشتی در سوله‌ای فاقد هرگونه امکانات، را بتوان محصول فعالیت و فراگیری شبکه‌های اجتماعی و اتفاقی ارزیابی کرد، اما به سختی می‌توان انتشار تصاویر متعدد از جمعی از فرماندهان بازداشتی با صورت‌های کبود و چهره‌های نادم و لباس‌های نامناسب که در صدر آن‌ها «آکین اوزترک»، فرمانده سابق نیروی هوایی ترکیه را با بینی شکسته و گوش راست پانسمان‌شده نمایش می‌دهد را اتفاقی و غیرهدفمند انگاشت. حتی اگر بتوان انتشار این تصاویر در ساعات اولیه‌ی بعد از کودتا را با توجه به معرفی «آکین اوزترک» به منزله‌ی مغز متفکر و طراح کودتا، اقدامی در جهت اثبات شکست قطعی کودتا تعبیر نمود آن‌گاه انتشار تصویری مشابه، از آجودان مخصوص اردوغان، سرهنگ «علی یازیچی» که گویا دستگیری وی در پنجمین روز پس از کودتا صورت گرفته، چگونه توجیه‌پذیر خواهد بود؟ اگر همکاری یازیچی با کودتاچیان به منزله‌ی صاحب‌منصبی که از 12 اوت سال گذشته آجودان مخصوص و مشاور نظامی اردوغان بوده است، ثابت شود بدون شک وی با توجه به دسترسی و نزدیکی که به اردوغان داشته است یک خیانتکار مستحق عقوبت خواهد بود، اما این پرسش مطرح است که آیا به راستی تصاویر منتشر شده از وی که کماکان متهم محسوب می‌شود و اتهاماتش هنوز در دادگاهی اثبات نشده است، با دست‌های از پشت بسته و سری که از زیرچانه‌اش توسط یک نیروی امنیتی با زور به بالا فشار داده می‌شود تا چهره‌ی آشفته و پریشان‌ش در قاب تصویر واضح بیفتد، کارکرد مثبتی در بر حذر داشتن خائنین بالقوه از دست زدن به اقدامات خیانت‌بار خواهد داشت؟ بدون شک تصویر نمودن جمعی از درجه‌داران ولو خائن ارتش با زیرشلواری و تی‌شرت و با سروشکلی مضروب، وارد آوردن خدشه‌ای جدی به اعتبار ارتشی محسوب می‌شود که جدای از کارنامه و کارکرد سیاسی مسأله‌دار آن، همواره یکی از ستون‌های قدرت ملی کشور ترکیه بوده است.

این‌که اردوغان درس‌های تاریخی مربوط به کودتای ناموفق 25 مرداد 1332 تا کودتای 28 مرداد همان سال که به سرنگونی دولت ملی در ایران منجر شد را به یاد دارد و از همان روز شکست کودتا از احتمال کودتای مجدد سخن گفته است، این‌که ابعاد داخلی و ارتباطات خارجی کودتای اخیر ترکیه کماکان روشن نیست و لذا حاشیه‌ی امنیت دولت اردوغان به واسطه حمایت و مشارکت مردمی و عدم همراهی موثر بخش‌های مهمی از ارتش نمی‌تواند برای وی متضمن ناکامی کودتای مجدد احتمالی باشد، واقعیت‌هایی انکارناپذیرند، اما رفتارهای اردوغان در تصفیه نهادهای موثر کشور که ابعاد آن به مدارس و دانشگاه‌ها نیز رسیده است، فراتر از جنبه‌های احتیاطی و پیشگیرانه، حکایت از وجود اراده‌ها و منویات سیاسی بسیار قوی در بهره‌برداری از میوه‌ی شکست کودتا توسط شخص اردوغان دارد. بی‌شک همگان به یاد دارند که اردوغان در تلاش برای تغییر نظام سیاسی ترکیه از همان ابتدای حکومت خویش بر این کشور ارتش میراث‌دار آتاترک را مانعی بر سر راه خویش می‌دید. ماجرای ارگنکون هنوز از یادها نرفته است. اهتمام اردوغان برای کاهش حداکثری حضور و تأثیرگذاری ارتش در سپهر سیاست این کشور روندی را به نمایش می‌گذارد که گویا در فضای پساکودتا فاز نهایی آن در حال رقم خوردن است و همین پیشینه نیز سبب می‌شود که علنی شدن تحقیرها علیه ارتشی‌های متهم به کودتا ابعادی فراتر از تلاشی جهت اعاده‌ی ثبات و خنثی‌سازی کودتای بالقوه بعدی محسوب شود.

به هر روی در هر سازمانی احتمالا همیشه افرادی پیدا می‌شوند که چه از سر همدلی و هم‌سویی و چه از سر جاه‌طلبی‌های فردی و فرصت‌طلبی آماده همکاری با هر رئیس دولتی باشند و در سال‌های اخیر نیز اردوغان از این بابت در باب ارتش ترکیه با مضیقه روبرو نبوده است اما مولفه‌ای که وی در جریان کمپین‌اش برای تصفیه ارتش از مخالفانش اعم از گولنیست‌ها و یا لایک‌های دارای قابلیت‌های تهدیدکننده، نباید از آن غفلت کند، تحریک «عصبیت صنفی ارتش» ترکیه است که ولو در شرایط کنونی و قرار داشتن اردوغان در صدر حاکمیت و برخورداری از قدرت سخت و نرم در مقیاس‌های بالا، کاری در مقابلش از پیش نبرند، اما در بزنگاه‌های پیش‌رو می‌توانند تهدیدکننده باشند. نباید از خاطر برد که وقایع مهم و نمادین تاریخ فراموش نمی‌شوند. همان‌طور که در هفته گذشته تحلیلگران به یاد کودتاهای پیشین در ترکیه و فرجام کار نخست‌وزیر خوشنامی همچون عدنان مندرس بودند و برخی نیز عنوان کردند که اردوغان انتقام عدنان مندرس را از کودتاچیان ارتش ترکیه بازمی‌ستاند، اما اردوغان باید به این فکر کند که آیا سزاوار بود که در صورت پیروزی کودتا تصاویر وی نیز با سروسرورت زخمی و لباس‌های مندرس در دنیا پخش شود؟ به هر روی ابعاد برخورد با کودتاچیان به حدی رسیده که نه تنها کودتاچیان دستگیر شده، به ویژه چهره‌های شاخص، در نتیجه‌ی تصاویر منتشر شده‌شان فاقد کرامت انسانی به نمایش گذاشته شده‌اند، بلکه کشته‌شدگان نیز به همچون سرنوشتی دچار شده‌اند،

چنان‌که به گفته‌ی شهردار استانبول، «قادر توباش»، گورستان مخصوصی برای آنان در نظر گرفته شده است تا محلی باشد برای لعن خیانت‌پیشگان. بدون شک حمایت گسترده و چشمگیر مردمی از اردوغان در برابر کودتاگران و تجلیل‌های این روزهای نخست‌وزیر و اعضای کابینه و همراهان و حتی برخی مخالفان اردوغان از وی، به موازات اربعایی که با اعلام حالت فوق‌العاده و بازداشت‌ها و اخراج‌ها و تعلیق‌های چند ده هزار نفری مظنونان ارتباط با کودتا در ترکیه حاکم شده است، شرایط را به گونه‌ای رقم زده که اردوغان در جایگاهی کم‌سابقه از منظر قدرت فردی قرار گیرد، اما او در اوج کامیابی‌ها نباید غافل شود از این‌که تحقق همه‌ی برنامه‌هایش نیز نخواهد توانست مانع از

روبین خوشه‌های خشمی شود که از اقدامات امروزش جوانه خواهد زد.
مهدی حسینی تقی‌آباد / پژوهشگر بنیاد مطالعات قفقاز
منبع: جام سیاست